

## علوم رایج و اندیشه فکری غالب در کتب اندیشمندان مشهور عصر تیموری

زهرا غفارزاده

دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

### چکیده

دوره تیموری یکی از دوره هایی بود که رشد علم در آن قابل توجه بود؛ تیمور و جانشینانش خود حامی علم و فرهنگ و هنر بودند؛ حتی برای نشان دادن شکوه حکومت خود به هنر توجه بسیاری داشتند. اما به نظر می رسد علوم عقلی پس از دوره تیمور با افول مواجه شده و شاهد توجه به علوم نقلی هستیم که در آثار علمی این دوره به چشم می خورد. در واقع علوم عقلی به حاشیه رانده شده اند و توجه بیشتری معطوف به علوم نقلی شده است که حاکی از تفکر اندیشمندان این دوره است که توجه بیشتری به این نوع از علوم داشته اند. اندیشمندان این دوره بیشتر به تصوف و صوفی گری در کارهای علمی خویش روی آورده اند که در کتب اشعار و عرفانی این اندیشه غالب است. مدعای اصلی آنست که با بررسی علوم رایج در اندیشه اندیشمندان عصر تیموری بر اساس کتب اندیشمندان این دوران، می توان به فهم بهتری از رشد یا افول نوع خاصی از علم در یک دوره خاص تاریخی رسید. سوال اصلی پژوهش زیر آنست که بیشترین مطالب تاثیر گذار در کتب اندیشمندانی که در این دوران می زیسته اند، چه بود؟ نتیجه ی این پژوهش حاکی از آن است که علوم نقلی تاثیر بسزایی در شکل گیری اندیشه ی اندیشمندان این عصر داشته اند. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی- تبیینی و شیوه گردآوری داده ها کتابخانه ای است.

**واژگان کلیدی:** تیموری، علوم رایج، کتب، اندیشمندان.

## مقدمه

دوره تیموری یکی از مهم‌ترین دوران در تاریخ ایران است؛ این دوره به علت توجه به فرهنگ و ادب مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. تیمور با اقداماتش هنرمندان را در سمرقند جمع کرد تا بتواند شکوه و جلال خویش را به معرض نمایش بگذارد. او همچون سایر پادشاهان به دنبال کسب اعتبار و شهرت برای خود بود، در نتیجه توجه خاصی را به فرهنگ و هنر معطوف داشت. از جمله اقدامات او در این راه کوچ هنرمندان به سمرقند بود که تلاشی برای جاوید ساختن نامش در تاریخ بود. فرمانروایان تیموری نیز این هدف را پی گرفتند چنانچه شاهرخ نیز در این راه تلاش بسیاری کرد. از دیگر افراد تاثیر گذار و علم دوست در این عصر می‌توان به الغ بیگ و سلطان حسین بایقرا و وزیر اندیشمندش امیر علیشیر نوایی اشاره کرد که موجبات رشد علمی و فرهنگی را در این عصر فراهم کردند.

به نظر می‌رسد علوم نقلی در این دوران نسبت به علوم عقلی بیشتر مورد توجه بوده است که علت آن وجود حکومتی است که بر پایه خونریزی بنا شده است و مردم را به خانقاه‌ها کشانده است؛ همچنین خستگی مردم از نزاع‌های دینی، افسردگی و ناامیدی از اصلاح اوضاع از جمله عوامل رشد خانقاه‌ها در این دوران بوده است.

علمای این دوره نیز در آثارشان بیشتر به موضوع رسیدن به خدا، توحید و صوفی‌گری پرداخته‌اند، حتی فلاسفه نیز از عقل برای توجیه این موضوع استفاده کرده‌اند.

پژوهش زیر با عنوان علوم رایج و اندیشه فکری غالب در کتب اندیشمندان مشهور عصر تیموری قصد دارد به بررسی مطالب رایج در کتب این دوران بپردازد تا مشخص گردد علوم غالب در اندیشه اندیشمندان مشهور این عصر چه بوده است و آن‌ها چه علومی را دنبال می‌کردند. پژوهش زیر در پی پاسخ به سوالات زیر است: بیشترین مطالب تاثیر گذار در کتب اندیشمندی که در این دوران می‌زیسته‌اند، چه بود؟ و چه نوع از دسته‌بندی را برای طیف اندیشمندان این عصر می‌توان در نظر گرفت؟

در مورد پیشینه پژوهش باید گفت در مورد برخی از اندیشمندان این عصر پژوهش‌هایی صورت گرفته است از جمله: مقاله «**جایگاه و کاربرد حدیث در تفسیر سید حیدر آملی**»، که توسط عادل کوهی و شادی نفیسی در دو فصلنامه علمی-پژوهشی حدیث پژوهی در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است و مقاله «**وجود منبسط؛ در اندیشه سید حیدر آملی و صدرالمتاهلین**»، که توسط پروین کاظم زاده و رحیم دهقانی سیمکاتی و مریم داورنیا در مجله ادیان و عرفان در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است. هر دو این مقاله و آثاری از این دست به یک بخش از اندیشه یک شخصیت پرداخته‌اند؛ تفاوت پژوهش زیر با سایر پژوهش‌ها توجه به اندیشه فکری غالب در کتبی است که توسط اندیشمندان مشهور این عصر نوشته شده‌اند.

در این پژوهش تلاش ما بر این خواهد بود که به بررسی عقایدی که در کتب دانشمندان به عنوان عقاید رایج مطرح است، بپردازیم تا عقیده‌ی کلی و رایج در این عصر که در جامعه‌ی فکری حاکم بوده است مشخص گردد؛ زیرا اندیشمندان این دوره تاثیر بسزایی در اندیشه مردم نیز داشتند.

روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی-تبیینی و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است.

## اوضاع کلی علوم در عصر تیموری

اگر بخواهیم به دیدگاه تیمور در مورد ایران بپردازیم، باید بگوییم که او ایران را کشوری غنی از فرهنگ و هنر می‌دانست؛ این تفکر باعث شد در تلاش باشد تا بخش‌هایی از ایران را به «هسته فرهنگی-هنری» تبدیل نماید تا شهرت کسب کند. (دلریش، لعل شاطری، ۱۳۹۳: ۶۱ و آژند، بی تا: ۴۰) یکی از اقدامات تاثیر گذار تیمور که از اندیشه فکری او سرچشمه می‌گرفت، توجه به علم بود؛ او در این راستا به دانشمندان احترام می‌گذاشت و افرادی همچون «شمس الدین جزری از آناتولی و سعد الدین تفتازانی را از خوارزم به سمرقند» دعوت کرد. از جمله دانشمندان مهم این عصر نیز می‌توان به شرف الدین علی یزدی، حافظ ابرو، ابن عربشاه نیز اشاره کرد که در زمان خود اهمیت بسزایی داشتند. (بحرانی پور، ۱۳۸۹: ۹، ۷) البته این احترام نهادن تیمور به اندیشمندان مانع مجازات آن‌ها نمی‌شد؛ بدین معنا که در صورت تخطی هر یک از افراد این گروه، آن‌ها را به سخت‌ترین شکل مجازات می‌نمود. (دلریش، لعل شاطری، ۱۳۹۳: ۶۳)

در مورد هنرمندان این عصر نیز، به علت رونق هنر، هنرمندان مشهوری چون غیاث الدین محمد خراسانی موسیقیدان و مولانا قاسمعلی زرکوب مطرح شدند. شایان ذکر است این هنرمندان به علوم دیگر نیز می پرداختند، به عنوان نمونه کتاب **معراج النبوه** اثر مولانا معین الدین الفراهی خطاط و منشآت جلال الدین یوسف بن سهاب الدین عبدالله جامی خطاط از جمله کتبی بودند که در این دوره توسط هنرمندان نوشته شدند. (سمائی دستجردی، فریدون اللهیاری و اصغر فروغی ابری، ۱۳۹۵: ۹۳)

بعد از دوره ی تیمور، شاهرخ هرات را به عنوان مرکز حکومت مطرح کرد و همچون تیمور، به علوم علاقه داشت و هرات تبدیل به مرکزی برای فرهنگ و هنر شد. (لعل شاطری و رحیم جوان لاجی، تابستان ۱۳۹۵: ۱۴۲) در دوره ی شاهرخ به علت وجود آرامش و تلاش او در جهت صلح، احترام به هنرمندان فزونی گرفت. (نجیب مایل هروی، ۱۳۷۷: ۱۷-۱۴) دوره ی صلح و آرامش شاهرخ باعث مرکزیت علمی هرات و رشد اندیشمندان مشهوری شد که از جمله آن ها می توان به افرادی همچون: زین الدین توسی، جمال الدین عطاءالله، سیف الدین احمد تفتازانی، کمال الدین مسعود شروانی، نظام الدین داوود، اصیل الدین واعظ اشاره کرد. (بحرانی پور، همان: ۹) از جمله اقدامات مفید شاهرخ توجه او به ادبیات بود که بدین جهت «حدود ۵۰ سال اول از قرن نهم هجری در ادبیات به **عهد شاهرخ**» مشهور شده است. از جمله هنرهای مشهور و رایج شعر بود که از طرف شاهزادگان مورد حمایت بود. شایان ذکر است مرکزیت علمی و ادبی هرات پس از دوره ی شاهرخ دچار افول گردید تا اینکه در زمان سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی به دوره ی اوج خود بازگشت. (توحیدیان، ۱۳۸۹: ۵۹)

در دوره ی بعد از شاهرخ، در دوره ی الغ بیگ؛ مکاتبی همچون «**مکتب علمی سمرقند**» مطرح گردید؛ به نظر می رسد این مکتب «حاصل تکامل مکتب های بغداد، مراغه و تبریز» بوده است. از جمله دانشمندان مهم این مکتب می توان به **غیاث الدینی جمشید کاشانی** اشاره نمود که در دوره الغ بیگ می زیست. غیاث الدین جمشید کاشانی و ملا علی قوشچی در رصدخانه ی سمرقند زیجی ساختند که این اقدام پس از ساخت رصدخانه در سمرقند انجام شده است. (بحرانی پور، ۱۳۸۹: ۸-۷) در واقع غیاث الدین جمشید کاشانی ریاضیدانی بود که او را «**آخرین ریاضی دان دوره باشکوه اسلامی**» می نامند زیرا تاثیر بسزایی در رشد ریاضیات و ریاضیات معماری بر جای نهاد. (اکبری و اشرفی، ۱۳۹۳: ۱۱۴) این دانشمند در علم هندسه رساله هایی همچون رساله ی محیطیه و رساله جیب و وتر نوشت؛ او در علم ریاضیات نیز کتاب مفتاح الحساب را نوشت که به علت ابداع هایی که انجام داده مورد توجه است؛ از جمله ی این ابداع ها کسرهای اعشاری است. (بحرانی پور، ۱۳۸۹: ۱۴-۱۳)

دوره ی بعد که دوره ای تاثیر گذار است، دوره سلطان حسین بایقراست که به علت افزایش وسعت قلمرو، توجه او به سمت علم و هنر معطوف و اشتهاش به پادشاهی علم دوست گردید. در دوره ی سلطان حسین هرات به عنوان پایتخت، مرکزی درخشان برای علوم و هنرها مطرح گردید. (حمیده شهیدی، ۱۳۹۵: ۶۳) همچنین این دوره یکی از دوره های درخشان توجه به ادبیات و علم است. (لعل شاطری و رحیم جوان لاجی، تابستان ۱۳۹۵: ۱۴۴) وزیر سلطان حسین بایقرا، یعنی امیر علیشیر نوایی تاثیر چشمگیری در این عصر داشت و علاقه ی او به علم باعث شهرت او در این عصر شد. (شهیدی، ۱۳۹۵: ۷۴)

در مورد علومی همچون تصوف نیز باید به این نکته اشاره کرد که قرن ۸ و ۹ به عنوان محیطی برای رشد عقاید محی الدین عربی مطرح است که در فرقه های تصوف تاثیر داشته است؛ از جمله این فرقه ها می توان به نقشبندیه، مولویه و نوربخشیه اشاره نمود. (شاه نعمت الله ولی، ۱۳۸۰، مقدمه: ۱۰) شایان ذکر است طبق مطالب موجود، این نظر مطرح است که اولین بار ابن عربی بود که نظریه ی «**وحدت وجود**» را مطرح نمود. (پروین کاظم زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۵)

از جمله طریقت های مشهور در این عصر، طریقت نقشبندیه در خراسان و ماوراءالنهر با انساب به تسنن بود و در مورد طریقت های وابسته به مذهب شیعه نیز نوربخشه مطرح گردید؛ البته شایان ذکر است در این دوره «میان صوفیان و عرفا»، اختلاف نظرهایی مطرح بود. (شهیدی، ۱۳۹۵: ۶۹)

در یک تقسیم بندی اندیشمندان مشهور این دوران را به شرح ذیل آورده ایم تا اندیشه ی غالب آن ها را مورد بررسی قرار دهیم:

## الف) شعرای عارف

در اندیشه شاعران این دوران به غیر از تغزل و توجه به محبوب زیبا روی به موضوع عرفان و رسیدن به خدا از این راه توجه شده است. در این دوره برخی شاعران مشهور می زیستند که می توان آن ها را شعرایی عارف نامید؛ زیرا در اندیشه فکریشان بیشتر به خدا می پرداختند. در واقع شعر مخالف عقل است و احساس در شعر سخن می گوید و بدیهی است که در آثار شعرا احساس حاکم باشد، ولی به غیر از احساس به معشوق دنیوی، عشق به محبوب حقیقی نیز در آثار این شعرا جلوه گر است. از جمله این شاعران حافظ بود که شعر عاشقانه و عارفانه را پیوند داده بود.

### ۱. حافظ

حافظ از شاگردان قوام الدین عبدالله بود که جزو عالمان نامی محسوب می شد. (حافظ، ۱۳۸۵: مقدمه) در توصیف حافظ باید او را «عارف عاشق» نامید که دلیل این توصیف شعرهایی با مضمون عارفانه است که پیوندی از عرفان و عشق را نشان می دهد. او تشابه هایی با مولانا، ابوسعید ابوالخیر و عطار داشت که همان روی آوردن به عشق و حذر از «زهد خشک و تصوف» بود. (کامیاب تالشی، ۱۳۷۵: ۳۹۶، ۳۹۴)

عشق در اندیشه حافظ دارای ویژگی هایی بود که می توان آن ها را چنین دسته بندی کرد:

۱. عشق راهی برای شناخت حقیقت است ۲. امانت یا موهبت الهی است که به خلق اعطا شده است ۳. منشا آفرینش است ۴. راهی برای ترک خود پرستی است ۵. عاملی برای ترک دشمنی هاست ۶. وسیله ای برای تلطیف روح آدمی است ۷. ازلی بودن و ابدی بودن در کنار هم مطرح است ۹. عشق شرطی اساسی برای رسیدن به حق تعالی است ۱۰. عقل در برابر عشق ناتوان است. (کامیاب تالشی، ۱۳۷۵: ۳۹۶، ۳۹۴)

در مورد عرفان حافظ ویژگی های اساسی همچون رندانه بودن، اعتقاد نداشتن به گناه ازلی وجود دارد؛ او در مورد گناه اول معتقد است که دلیل اصلی این گناه «پنهان ماندن عشق و معاشقه از سمت مدعیان<sup>۱</sup> و رقیبان» است که آدمی در تن دادن به این گناه، بی اختیار توصیف شده است. (جعفرزاده، ۱۳۹۲: ۹۲)

مرزبندی اشعار حافظ و جستجوی این مرزها دشوار است؛ بدین معنا که می توان اشعار را از نقطه ای جسمانی تا نقطه ای عرفانی تقسیم بندی کرد که مرز قطعی ندارند. (سید صادقی، ۱۳۹۷: ۸) شایان ذکر است اشعار حافظ در کنار این موارد، اجتماعی نیز هستند و رویکرد هایی انتقادی به جامعه دارند که از جمله این نقد ها می توان «نقد به حکومت، مظاهر عقیدتی و رفتارهای اخلاقی» اشاره کرد. (مهرآوران و قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۸۷)

اندیشه غالب در تفکر حافظ، نقد خانقاه است؛ بدین معنا که او رویکرد خوبی نسبت به خانقاه ندارد و آن را مکانی برای دلق پوشان و سجاده فروشان توصیف می کند که در دام تزویر اسیرند<sup>۲</sup> او تنها راه رسیدن به حقیقت را رفتن به خرابات و میکده می داند.<sup>۳</sup> از جمله مکان های دیگر مورد انتقاد او مدرسه است، بدین معنا که مدرسه مکانی برای فخرفروشی ها و موقوفات مطرح بوده است. (همان: ۱۹۴-۱۹۲)

به صورت کلی، حافظ در اشعارش از مفاهیم عرفانی، مفاهیم قرآنی و مفاهیم رندانه استفاده کرده است و برخی مفاهیم را در کنار هم آورده است تا عقاید خود را به صورت کلی ابراز نماید.

دست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد مدعی خواست که آید به تماشاگاه راز<sup>۱</sup>

در میخانه ام بگشا که هیچ از خانقه نگشود/ گرت باور کند ورنی سخن این بود و ما گفتیم.<sup>۲</sup>

گر ز مسجد به خرابات شدم خرده مگیر/ مجلس وعظ دراز است و زمان خواهد شد<sup>۳</sup>

## ۲. عبدالرحمن جامی

جامی در سال ۸۱۷ ه.ق در خرجرد از ولایت جام خراسان متولد شد. (مولانا عبدالرحمن بن احمد جامی، بی تا: ص ۱۵۵) به طور کلی سالهای زندگی او شامل سالهای ۸۱۷-۸۹۸ ه.ق می شود. جامی در زمانه ای آرام در دوره شاهرخ می زیست. (نجیب مایل هروی، ۱۳۷۷: ۱۴-۱۷) یکی از وقایع مطرح شده در دوره ی زندگی او می توان به دیدارش با خواجه محمد پارسا اشاره کرد که به نظر می رسد جامی تحت تاثیر او به فرقه نقشبندیه تمایل پیدا کرده و به این فرقه پیوسته است. (خواجه محمد پارسا و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۸)

یکی از ویژگی های مهم او پیوند و ارتباط داشتن با دربار است که نتیجه این ارتباط فوایدی به حال مردم داشته است؛ او در جهت کمک به اوضاع زندگی مردم، مکاتیبی را به شاهان و وزیران نوشته بود. شایان ذکر است دانشمندانی همچون «حسین واعظ کاشفی نیز به توسط جامی مشکلات اقتصادی خود را با دربار» تیموری طرح می نمودند. (نجیب مایل هروی، ۱۳۷۷: ۸۷-۸۶)

در این قسمت به کتب جامی و اندیشه او می پردازیم:

یکی از کتب مشهور جامی کتاب نفحات الانس است. در کتاب نفحات الانس جامی می توان چند نوع توحید را شناخت: ۱. توحیدی که آن را علم یقین می توان نامید و «چنان است که بنده در بدایت طریق تصوف از سر یقین بدانده که موجود حقیقی و موثر مطلق نیست الا خداوند» ۲. توحید حالی بدان معنا که «حال توحید و صفت لازم ذات موحد گردد» ۳. توحید الهی یعنی «حق سبحانه در ازل به نفس خود نه به توحید دیگری همیشه به وصف وجدانیت و نعمت فردانیت» (مولانا عبدالرحمن بن احمد جامی، بی تا: ص ۱۹-۱۷)

اندیشه مذهبی جامی را می توان در مثنوی هفت اورنگ یافت؛ او در این مثنوی خلفای سه گانه را برحق نامیده ولی توصیفاتى همچون خاتم خلفا و صاحب فضل را در مورد امام علی عنوان و قاتلان امام حسین را نیز نفرین کرده است. (فرخی، ۱۳۹۴: ۶۵۱) جامی در مثنوی سبحة الابرار نیز به توصیف امام حسن پرداخته است: **حسن آن سبط نبی، سر ولی / طلعتش مطلع انوار جلی** (فرخی، ۱۳۹۴: ۶۵۲) این موضوع نشانگر وجود تفکر مذهبی بی تعصب در اندیشه اوست.

به صورت کلی اندیشه غالب در تفکر جامی، عشق است؛ عشق در منظر او بسیار اهمیت دارد. (اسکندری، ۱۳۹۰: ۳۷) البته این

عشق در عقاید او عرفانی است، به طوری که در وصف خداوند می سراید:

جلوه حسن تو کجاست که نیست / جذبه عشق تو که راست که نیست

همه ذرات مست عشق تواند / پای کوبان ز دست عشق تواند. (همان: ۴۴)

جامی را در یک نتیجه گیری می توان عارفی عاشق با پایبندی خاص نسبت به مذهب دانست که او را دارای تفکری بر محور عشق، عرفان و دغدغه مند زندگی مردم نشان می دهد.

## ۳. شاه نعمت الله ولی

شاه نعمت الله ولی در سالهای ۷۳۱-۸۳۴ ق می زیست. ویژگی خاص او دوری از گوشه گیری و علاقه به تعلیم شاگردان بود. دوری او از عزلت او را نسبت به سایر پیشوایان تصوف متمایز می کرد. او مؤسس سلسله نعمت اللهیه در تصوف است. (ذوالفقاری و امید علی، ۱۳۹۶: ۱۵۲) برخی اعتقادات وجود دارد که نسب او را به سادات حسینی می رسانند. (کریمی ثابت و محمدی، ۱۴۰۱: ۵۱)

فقه و فلاغت از جمله علومى بودند که در بنیان فکری شاه نعمت الله ولی نقش مهمی را ایفا کردند. همچنین اندیشه عرفانی او توسط عبدالله یافضی و تعلیمات او پایه ریزی شد. (کریمی ثابت و محمدی، ۱۴۰۱: ۵۱)

شاه نعمت الله ولی اقدامات تاثیر گذاری در تصوف انجام داد که می توان آن ها را چنین دسته بندی کرد:

۱. منع از گوشه نشینی ۲. توصیه اهل تصوف به رعایت آداب شرعی ۳. منع پیروان از پوشیدن لباس های مخصوص صوفیان و عدم تمایز آن ها از مردم عادی ۴. توصیه به جای نشاط از جمله مطالب مهم در اندیشه او بود ۵. دوری از رقص سماع و موسیقی در مجلس سماعی که توسط او برگزار می شد ۶. شاه نعمت الله ولی در مجالس سماع رو به قبله می نشست و توجه خود را به خداوند معطوف می کرد. (جواد نوربخش کرمانی، ۱۳۳۷: ص ۸۳-۷۸)

شاه نعمت الله ولی از جمله شارحان مهم نظریه های ابن عربی به شمار می رود. (شاه نعمت الله ولی، ۱۳۸۰، مقدمه: ۱۰) در دیوان شعری او «فلسفه ی وحدت وجود» نیز وجود دارد:

حباب و قطره و دریا و موج را دریاب/ بعین ما نظری کن یکی است آن هر چار  
نزد ما موج و حباب و قطره و دریا یکیست/ آب یک معنی بود هم صورتش ناچار چار. (جواد نوربخش کرمانی، ۱۳۳۷: ۷۶-۷۷)

در کتاب شرح لمعات شاه نعمت الله ولی می توان به اندیشه «انسان کامل» پی برد چنانچه او در این مورد اشاره کرده است: «الله اسم ذات است و جامع جمع معانی اسماء الهی و انسان کامل مظهر بر کمال این اسم اعظم و هر اسمی از اسماء اللهیه نزد اصحاب صوفیه ذات الهی است با صفتی متعینه و تجلی از تجلیات». (شاه نعمت الله ولی، بی تا: ۲) بیشتر کتاب شامل ابیات است ولی در بخش هایی توضیحاتی نیز آورده است؛ در برخی قسمت ها شاهد حروفی نیز هستیم که مفهوم حروف در این بخش ها بیان شده است. به عنوان نمونه رمز حرف «ن» چنین آشکار شده است: «ن یعنی بعضی از جواهر معانی که در مخزن ضمیر مخزون است در بیان مراتب عشق نه در افشان حقیقت او» (شاه نعمت الله ولی، بی تا: ۹)

در مروج اندیشه غالب او باید گفت عقل در اشعار او جای ندارد؛ این شعر شاه نعمت الله ولی به خوبی نمایانگر عقل گریزی است:

رندیدم و دگر مستیم تا باد چنین باد/ توبه همه بشکستیم تا باد چنین باد  
عقل از سر نادانی درد سر ما می داد/ عشق آمد و وارستیم تا باد چنین باد  
ما دست برآوردیم در پاش سرافکندیم/ مستانه از آن دستیم تا باد چنین باد. (شاه نعمت الله ولی، ۱۳۸۰، متن: ۱)

از جمله دیگر اندیشه او می توان به غالب بودن تفکری بر محور قرآن و معارف دینی اشاره کرد. (ذوالفقاری و امید علی، ۱۳۹۶: ۱۵۱)

به عنوان مثال مفهوم الرحمن علی العرش استوی در اشعار شاه نعمت الله ولی دیده می شود به طوری که او می سراید:

نرفته ای تو به شرق و نیامدی از غرب/ تو را ز عرش و ز رحمن و استوا چه خبر. (ذوالفقاری و امید علی، ۱۳۹۶: ۱۵۸-۱۵۷)

به طور کلی همانگونه که اشاره کردیم، تفکرات مختلفی همچون تصوفی بر محور تعادل و متفاوت با صوفیان آن عصر در اندیشه او جای دارد، او شاعری است که اشعاری بر پایه عقل گریزی و تفکر قرآنی داشت.

#### ۴. حسن سجزی دهلوی

حسن سجزی دهلوی یکی از شاعران نامی هند مقارن دوره ی تیموری بود؛ او شاعری عارف مسلک بود و از مریدان نظام الدین اولیا از عارفان چشتیان هند، محسوب می شود. در مورد شغل او باید گفت، شغل خبازی داشته و یکی از صفاتش را عدالت در میزان دانسته اند. (امیر حسین علاء سجزی دهلوی، ۲۰۰۷ م: ۱۵-۱۳)

دلیل ذکر نام این شاعر در این بخش به علت آثاری است که به زبان فارسی نوشته است. رساله ی مشهور او رساله **مخ المعانی** است. حسن سجزی دهلوی در این رساله به توصیف عشق پرداخته است؛ از نظر او نکته ی تصوف عشق است. عشق در نظر او دارای معانی بسیاری است؛ رساله ی او برای فهم معنای عشق در تصوف پر اهمیت است. (امیر حسین علاء سجزی دهلوی، ۲۰۰۷ م: ۸) به طور کلی در تعریف دقیق عشق در نظر او، به معنای فدا کردن خویش در راه معشوق و احساس غرور در زمان فنا ساختن خویش در راه معشوق است. (همان: ۱۸)

او کلمات عشق را تفکیک کرده است: «ع» یعنی عین چشم؛ او تخم عشق را چشم می داند و بیت زیر را می سراید: **یا رب چه خواهد داد: شد تخم عشق این چشم سر زان دارمش چون تخم تر/ یارب چه خواهد داد بر تخم در آب انداخته**. حرف دوم «ش»: او دندانه های ش را نشانه ی ناهمواری ها و مشکلات عاشق در راه عشق می داند. حرف سوم «ق» او می گوید «هر که را گوش هوش به استماع کلمه ی عشق باز است، سبیل آنست که خط به اسم و رسم کشد و رخت از حضيض خطوط نفسانی برکشد و به تدریج با وجود وحدت برآید و به قاف عشق ترقی نماید.» در واقع او مکتب عرفان را عشق می داند نه عقل. (امیر حسین علاء سجزی دهلوی، ۲۰۰۷ م: ۴۷، ۲۶)

به طور کلی باید گفت او عارفی عقل گریز است و در پی رسیدن به حقیقت از راه وصول به عشق است.



## ب) صوفیان و فیلسوفان شریعت‌گرا:

در تقسیم‌بندی آخر صوفیان شریعت‌گرا قرار می‌گیرند؛ صوفیانی که می‌خواستند از راه شریعت به حق تعالی برسند.

### ۱. سید حیدر آملی

سید حیدر آملی در سال ۷۲۰ ه.ق در خانواده‌ای از سادات علوی در شهر آمل تولد یافت؛ در خانواده‌ای می‌زیست که رفاه حاکم بود ولی او در اوج رفاه، دچار تفکراتی خاص شد و احساس پوچی کرد و تصمیم گرفت هجرت نماید. (سید حیدر آملی، ۱۳۶۸: ۲۵)

سید حیدر آملی دارای کتب متعددی است که به حدود چهل مورد می‌رسد ولی تعداد محدودی به زمانه ما رسیده است که از جمله آن‌ها می‌توان به این کتب اشاره کرد: اسرار الشریعه، جامع الاسرار، نقد النقود، نص النصوص فی شرح الفصوص و تفسیر المحيط الاعظم. (کوهی و نفیسی، ۱۳۹۴: ۱۸۷)

سید حیدر آملی در کتاب جامع الاسرار و منبع الانوار است که در آن بیشتر به حمد و ثنای خدا پرداخته و از اشعار عربی نیز استفاده کرده است. در واقع درصد بیشتر کتاب به اشعار و آیات و روایات اختصاص دارد. (سید حیدر آملی، ۱۳۶۸: ۲۵)

یکی از کتب مشهور او تفسیر محیط الاعظم است که در حدود اواخر عمر به نوشتن این کتاب روی آورده است. (همان: ۱۸۶-۱۸۵)

او در نگارش کتاب از شیوه‌هایی چون نقل روایت، عدم ذکر سند، عدم ذکر نام معصومین، تصریح به اعتبار اسناد، نقل معنا «به معنی این که مضمون حدیث بدون جمود بر الفاظ و واژه‌ها نقل شود، تقطیع متن» و ذکر حدیث در قالب اشعار استفاده کرده است. این موارد ویژگی‌های عرفان او را شامل می‌شود. (کوهی و نفیسی، ۱۳۹۴: ۱۹۴-۱۹۰)

رساله نقد النقود فی معرفه الوجود رساله دیگری از اوست. نسخه‌ی موجود از این کتاب خطی است که در این پژوهش بدان دسترسی یافتیم. این کتاب نسخه دستنویس مولف بر اساس نسخه کتابخانه ملی ملک است. کتاب دارای مقدماتی است. مولف در دیباچه از کتاب مفصل الوجود فی معرفه المعبود یاد کرده که دوست عزیز خالصه کتاب را درخواست کرده است و بر این اساس سید خلاصه کتاب را نگاشته است. این رساله مختصر است ولی فقط یک رساله فلسفی نیست بلکه بیشتر به شرح مبحث «وحدت وجود عرفان ابن عربی از منظرهای عقل، نقل و کشف می‌پردازد». (سید حیدر آملی، ۱۳۹۳: ۳۲) کتاب بر چند قاعده استوار است: (۱) تعریف و تحقیق یگانگی شریعت، طریقت و حقیقت. (۲) بالاتر بودن مرتبه اهل حقیقت بر اهل طریقت و اهل طریقت بر اهل شریعت. (۳) نیاز عقل به شرع و شرع به عقل و ضرورت کمک به یکدیگر. (همان: ۳۳) طبق این مطلب می‌توان گفت کتاب دارای مطالب عقلانی نیز هست و نقل صرف در آن جای ندارد و دارای مفاهیم عرفانی است.

از جمله دیگر آثار سید حیدر آملی نص النصوص است؛ او قسمتی از کتاب نص النصوص را به بحث در مورد مظاهر و تجلیات وجود منبسط اختصاص داده است. از نظر او «وجود بدیهی‌التصور است و این وجود بدیهی از این حیث که او است، جز حق نیست و او در ذاتش منزله از تعین، اطلاق، تقيید، تشبیه و تعطیل است». (پروین کاظم زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۲)

سید حیدر آملی بسیاری از اندیشه‌هایش را از ابن عربی گرفته بود. او همچون ابن عربی معتقد است «درجه و مرتبه انسان به نسبت معرفت و علمی است که به خدا دارد. او سه موضوع را در راس قرار می‌دهد: (۱) معرفت به حق تعالی. (۲) معرفت به عالم هستی. (۳) معرفت به انسان». (قربانی، ۱۴۰۰: ۶۶)

به طور کلی اندیشه غالب او در کتاب‌هایش مربوط به علوم عقلی است و در کنار این موارد به علوم عرفانی نیز می‌پردازد.

### ۲. خواجه محمد پارسا

خواجه محمد پارسا در سال ۷۴۹ در شهر بخارا تولد یافت و جزو علما و مدرسان دوره‌ی تیموری بود. تفسیر و حدیث علمی بودند که از کودکی به آموختن آن‌ها روی آورد؛ او در زمان «بهاء الدین نقشبند جزو اصحاب نزدیک او بود» و مباحث مختلفی را با شمس الدین محمد بن محمد بن الجریزی که جزو محدثین مشهور بود، داشت. (خواجه محمد پارسا و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۷-۲۶)

از جمله مطالب پر اهمیت در زندگی خواجه محمد پارسا، مربوط به مکاتبات شاهرخ تیموری با اوست. خواجه محمد پارسا در دوره الغ بیگ تیموری مباحثاتی با شمس الدین جزری داشت و برخی در این زمان ادعا کردند او حدیث جعلی بیان می کند؛ خواجه تصمیم می گیرد به سمرقند بیاید و در حضور جزری و خواجه عصام الدین شیخ الاسلام به مباحثه بپردازد. (خواجه محمد پارسا، ۱۳۵۴: ۶۸-۶۷) خواجه از جمله افراد سلسله نقشبندی است. آثار نقشبندی نیز اکثراً به زبان فارسی نوشته شده اند. (خواجه محمد پارسا، ۱۳۵۴: ۱۰) آثاری از خواجه محمد پارسا در دست است؛ یکی از این آثار رساله ی اقسام خواطر است؛ این رساله ی کوتاه شامل مطالب دینی و مباحثی در مورد توحید است. (خواجه محمد پارسا و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۷)

کتاب دیگر او، شرح فصوص الحکم است؛ اصل این کتاب به زبان عربی و شرحی از خواجه محمد پارسا در مورد این کتاب موجود است. شرح فصوص الحکم دارای ویژگی هایی است: خواجه محمد پارسا با تسلط به افکار ابن عربی این شرح را نوشته است. (۲) اصالت کتاب توسط خواجه محمد حفظ شده است (۳) مشکلات کتاب را شرح و گاهی نیز عین همان عبارات عربی را ذکر کرده است. (خواجه محمد پارسا، بی تا: مقدمه ۲۴) یکی دیگر از ویژگی های کتاب دارا بودن مضامین عرفانی، توضیحات قابل فهم است. (همان، بی تا: ۶) در این کتاب قسمتی به متن اختصاص دارد و در قسمت بعدی خواجه محمد پارسا توضیحات یا شرحی را اضافه کرده است تا متن برای خواننده قابل فهم باشد.

کتاب دیگر از این نویسنده فصل الخطاب است (۱). فصل اول کتاب به علوم صوفیه و شرح کلمات آن ها اختصاص دارد، (۲) فصل دوم الصراط المستقیم نام گذاری شده که بیشتر نشان دادن طریق رسیدن به خدا است. (۳) فصل سوم مشاهده و معرفت که در تلاش است تا تعاریفی از معرفت، توکل در معرفت حق، موانع راه که از آن با شهوات یاد کرده و مراتب سیر روح و مسائلی از این قبیل بپردازد. (۴) فصل چهارم در بیان معجزات رسول الله است. (۵) فصل پنجم به عقوبات اختصاص دارد و در بخشی به طریقه قتل امام حسین و قاتلان او اشاره شده است. (۶) فصل ششم در بیان اهل ملامت است. (۷) فصل هفتم در فضایل خلفا و اهل بیت. (۸) فصل هشتم در بیان احوال اقطاب که مطالبی از آن به بیان امت ناجیه پرداخته است. (۹) خاتمه کتاب نیز به روش خواجگان اختصاص دارد. (خواجه محمد پارسا، ۱۳۸۱: ۲) یکی از ویژگی های کتاب ذکر نام های افراد به صورت دقیق، استفاده از زبان عربی در بخش هایی از متن همراه زبان فارسی است. (خواجه محمد پارسا، ۱۳۸۱: ۴۰۱) در واقع اندیشه غالب این اندیشمند توجه به علوم نقلی است.

### ۳. صائن الدین علی ترکه

صائن الدین علی بن محمد اصفهانی در خانواده ای تولد یافت که از اهل دین و تصوف بودند؛ در زمان حمله تیمور به اصفهان، او و نزدیکانش بالاچار به سمرقند مهاجرت کردند. در دوره شاهرخ تیموری به منصب قضاوت رسید و قاضی شهر یزد بود؛ او شافعی مذهب بود و با اتهام نگارش آثار صوفیانه، منصب قضاوت را از او گرفتند و به هرات احضار شد. در این زمان بود که زخمی شدن شاهرخ و تهمت همکاری صائن الدین با ضارب، باعث شد او تا آخر عمر آواره شود. (صائن الدین ترکه، بی تا: ۴۶-۴۵)

از جمله ویژگی های تفکری او باید به اشrafش به منابع نقلی و استفاده از آیات و احادیث در کلام اشاره نمود. شایان ذکر است این مورد پیش زمینه ای برای بحث و تاویل باطنی بوده است. به عنوان مثال در نظر او تکالیف شرعی جسم عبادت و اعتقاد روح عبادت را شامل می شوند. در تعریف ایمان او این دو مورد را توانان می پذیرد. (صائن الدین علی بن ترکه، عقل و عشق یا مناظرات خمس تهران، ۱۳۷۵: ۱۱-۱۲)

صائن الدین علی بن ترکه در کتب خود عرفان عملی، عملی و ادبی را شرح داده است. او در کتاب رساله ی اللمعات یا شرح لمعات عراقی مناجات عقلی را چنین شرح داده است که جالب توجه می نماید: «مناجات عقلی محتاج به ذکر مقدمه ای است از اصول حکمت که حکما هر حرکتی که هست اثبات کرده اند که او را از میلی ناچار است که پیشتر از آن حرکت بوده باشد تا آن حرکت در وجود تواند آمدن و آن میلی است که سبب وجود حرکت می شود و او را به جهتی معین مخصوص می گرداند و جنبنده ای آن حرکت را به همان صوب روانه می کند.» (صائن الدین علی بن ترکه، رساله ضوء اللمعات یا شرح لمعات عراقی، ۱۳۵۱: ۶)



از جمله کتب دیگر او رساله ی اسرار الصلوه است که بیشتر شامل مباحث طهارت، معنی وضو و نظامت می گردد. (صائن الدین علی بن ترکه، رساله اسرار الصلوه، ۱۳۵۱: ۴۴) رساله ی دیگر او با نام «شق القمر و ساعت» مربوط به مباحث شریعت است؛ او در این کتاب طبقات کلام و اصول را سه دسته می داند: ۱. ظاهران مثل محدثان کلام نبوی و حافظان که آن ها شکافتن قمر را ظاهر می دانند و سوال از چگونگی آن را بدعت می دانند ۲. طبقه ی دوم حکمای اسلام و متکلمان هستند. اعتقاد آن ها مثل گروه اول است ولی آن ها سوال را منع نمی کنند. ۳. حکمای ظاهر که آن ها اعتقاد دارند این قمر محسوس به واسطه ی آنکه جزوی از فلک است شکافته نتواند شد و استیصال قدرت بر محالات صورت نمی بندد. (صائن الدین علی بن ترکه، رساله شق قمر و ساعت، ۱۳۵۱: ۱۰۶-۱۰۵)

کتاب دیگر او اطوار ثلاثه است. در رساله اطوار ثلاثه متصوفه را ۳ دسته می داند: (۱) محققان: آنها از مرحله ی اختیار عبور کرده و دیگر فخر فروشی نمی کنند. (۲) ابرار: آن ها مزین به صفات صبر و رضا و توکل هستند تا به مرحله ی خودسازی برسند. (۳) اخیار: افرادی که به اعمال ظاهری همچون نماز و تلاوت قرآن می پردازند تا با آباد کردن ظاهر، باطن را نیز آباد کنند. به نظر می رسد او در این کتاب از ابن عربی تاثیر پذیرفته است. (صائن الدین ترکه، بی تا: ۴۸-۴۷)

رساله عقل و عشق او نیز در مورد ارزیابی هایش درباره «عقل و خرد آدمی» است. در این رساله می بینیم که «عقل از طرف غربی قدس آمده و در وسط اقلیم چهارم که منسوب به حیوان است رخت اقامت افکنده و همه را به اطاعت و انقیاد خود کشیده است.» (صائن الدین علی بن ترکه، عقل و عشق یا مناظرات خمس، ۱۳۷۵: ۱۳) متن کتاب ادبی است و در بخش هایی از شعر استفاده کرده است و از آیات نیز استفاده کرده است. کتاب به صورت داستانی است که بعد از تمام شدن داستانی دیگر آغاز می شود.

یکی دیگر از آثار او شرح بر گلشن راز است. کتاب گلشن راز اثر شیخ محمود شبستری در قرن ۷ و ۸ قمری است. شیخ محمد شبستری در حدود سی سالگی در پاسخ به سوال های امیر سید حسین حسینی هروی در مورد اصطلاحات عرفانی، اقدام به نگارش این کتاب کرده است. برای این کتاب شرح های گوناگونی نوشته شده که یکی دیگر از شرح ها، مربوط به صائن الدین علی بن ترکه است. (صائن الدین علی بن ترکه، ۱۳۷۵: ۷)

به طور کلی او فردی با دانسته های گوناگون بود و در تلاش بود با نوشتن کتاب های گوناگون، اعتقادات خویش را نمایان سازد، شرح مراحل عرفانی، شرح مراحل همچون ظاهر دین که در کتاب اسرار الصلوه او مشاهده می شود، استفاده از آیات و احادیث از جمله ویژگی های دیگر اوست.

## ۵. میر سید علی همدانی

از جمله افراد مشهور این عصر، میر سید علی همدانی بود؛ البته او به ناچار به علت رنجش تیمور مجبور به مهاجرت به کشمیر شد. در مورد تاریخ تولد او اعتقاد بر این است که در ۱۲ رجب ۷۱۴ ه.ق در شهر همدان تولد یافته است و به آموختن علم روی آورد و تحت تلمذ اساتیدی چون شیخ علاء الدوله سمنانی، شیخ رضی علی دوستی، شیخ محمود مزدقانی و شیخ محمد بن محمد اذکانی بود. در حدود ۱۲ سالگی نیز وارد سلوک شد و بعدها به یکی از صوفیان بزرگ کبرویه تبدیل گشت. (ریاض خان ام-۱، بی تا: ۹۶)

میر سید علی همدانی دارای کتبی است که یکی از مشهورترین کتابها با عنوان «ترجمه اسرار النقطه یا توحید مکاشفان و محققان» است؛ کتاب زیر بیشتر شامل حدیث و گاهها شامل مفاهیم فلسفی در جت توضیح مطالب است و هدف کتاب پرداختن به «ارتباط نقطه با رازهای نهان» است. (سید علی همدانی، بی تا: ۱۸)

کتاب دیگر تفسیری از کلمات عارفانه حافظ شیرازی است که مربوط به رمزگشایی اشعاری است که حافظ سروده است؛ چند مورد از این رمزگشایی ها مربوط به رمزگشایی برخی مفاهیم دنیوی همچون «میخانه در معنای باطن عارف، می در معنای ذوق و شوق، یار و محبوب در معنای حقیقت روحی، چشم و ابرو در معنای صفات جمال و خمار و باده فروش در معنای پیر و مرشد است.» (میر سید علی همدانی، ۱۳۷۳: ۹۱)

یکی از آموزش های او به شاگردانش اشاره به معنی ذکر است که آن را همان سرجنباندن معنا می کند؛ (نورالدین جعفر بدخشی، ۱۳۷۴: ۴۲-۴۳) با توجه به این نقل قول می توان نتیجه گرفت اندیشه او صوفی مآبانه و دوری از تعقل در راه رسیدن به خدا بوده است و در پی رسیدن به علوم نقلی حرکت کرده و از علوم عقلی احتراز کرده است.

### سایر صوفیان و فیلسوفان شریعت گرا

یکی دیگر از عرفای این دوره محمود بن عثمان از عرفای قرن هشتم در جنوب ایران است. از جمله کتب او می توان به کتاب مفتاح الهدایه اشاره کرد که با استفاده از شعر به توضیح مفاهیم اخلاقی و عرفانی پرداخته است. (محمود بن عثمان، ۱۳۸۰: ۲۰) یکی از بخش های جالب توجه در این کتاب چنین است: « شیخ قدس الله روحه گفت حق تعالی می فرماید انا لا نصیع اجر من احسن عملا. اما احسان عمل شرط است و تا دل شخص با دنیا و خلق بود، احسان عمل نتوان بود. بلکه احسان عمل آن بود که دل از جز خدای بردارد تا خدای به اخلاص پرستد.» از نظر او این عبارات را می توان به نور عقل پیدا کرد. (همان: ۱۲۲)

کتاب دیگر که در این دوران نوشته شده است، **عده الداعی و نجاج الساعی** که با ترجمه ی آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز شناخته می شود. اصل کتاب را ابن فهد حلی نوشته است. ترجمه کتاب به فارسی توسط محمد حسین نائیکی است. به نظر کتاب دارای عقاید شیعی است زیرا در قسمت هایی به روایات از امامان همچون امام صادق پرداخته است. به عنوان نمونه در قسمتی به سخنان امام صادق در مورد صدقه اشاره کرده که ایشان می فرمایند صدقه دهنده هرگز با مرگ بد نمی میرد. او در قسمت هایی نیز به شرط قبولی دعا همچون قبول کردن ولایت امام می پردازد. (محمد حسین نائیکی، ۱۳۸۱: ۶۷، ۶۴)

یکی دیگر از افراد مورد توجه در این دوران مولف مجهولی است که به نگارش کتاب خلاصه شرح تعرف پرداخته است. با بررسی متن صفحه اول می توان گفت که نویسنده قصد نقل خبر را دارد: «آن کتاب را به شرح کردم تا به سخن پیروان معتقدان تبرک کرده باشم و نیز مقتدی باشم نه مبتدی تا کسی بر من عیبی نکند و هر چه گفتم موکد کردم به آیتی از کتاب خدای عزوجل یا به خبری از رسول یا به مسئله ای از فقه و اندر این کتاب یاد کردم اعتقاد در توحید و دیانت و احوال و ملاقات و حقایق و مقامات و مشاهدات و رموز و اشارات و سخن مشایخ و حکایات بر طریق سنت و جماعت.» این کتاب یکی از کتاب معتبر صوفیان و در ردیف کتاب احیاء علوم الدین غزالی شمرده می شود. (گمنام، ۱۳۴۹: ۷) علت نگارش کتاب تعرف کردن در مذهب تصوف بیان شده است. او صوفی را کسی می داند که دل خویش را صاف کرده باشد. یا صوفی کسی است که اندر صف اول باشد خدای عز و جل را، معنی دیگر این که آن ها صوف پوشیده اند. (همان: ۳۸-۳۷) کتاب در باب دوم به شرح حال جماعتی از صوفیان پرداخته و در بخش سوم نیز به نام جماعتی از مشایخ که نشر علم کرده اند پرداخته از جمله ابوالقاسم جنید بغدادی، ابوالحسین نوری، ابوسعید ابوالخیر و سهل عبدالله تستری. (همان: ۴۹)

### بحث و نتیجه گیری

طبق بررسی ها از کتب رایج در این دوران می توان گفت علوم دینی و عرفانی بیشتر از سایر علوم در کشور رایج بوده است اما نباید بحث حمایت شاهانی همچون شاهرخ، الغ بیگ و سلطان حسین بایقرا و وزیرش امیر علیشیر نوایی را نادیده گرفت. در مورد تاثیر این علوم باید گفت بیشتر دانشمندان به دنبال علوم عرفانی و دینی بوده اند تا علوم عقلی و اگر چه این علوم تا حدی در جامعه رواج داشته است، ولی علوم غالب در این عصر نبوده است.

شاعران و عارفان این دوره نیز با استفاده از اشعار، آیات و روایات در پی رسیدن به معشوق حقیقی و توصیف او بوده اند تا پرداختن به مشکلات رایج که در این دوران وجود داشته است.

میر سید علی همدانی و امیر حسین علاء سجزی نیز در این دوره در خارج از مرزهای ایران فعالیت داشته اند. امیر حسین علاء سجزی نیز در آثارش بیشتر به توصیف عشق از دیدگاه تصوف پرداخته است و عقل گرایی در این آثار به چشم نمی خورد.

شعرایی همچون حافظ و جامی نیز در این دوره در آثار خود بیشتر به دنبال مطالب دینی و عرفانی هستند تا علوم عقلی و علوم عقلی در آثار شعرای این دوران نیز به حاشیه رانده شده است.

سوال اصلی پژوهش زیر آن بود که بیشترین مطالب تاثیر گذار در کتب اندیشمندانی که در این دوران می زیسته اند، چه بود با بررسی ها مشخص شد عشق به خدا، اعمال تصوف و عرفان بیشترین مطالبی است که در کتب این دوران به چشم می خورد. سوال دیگر آن بود که چه نوع دسته بندی برای طیف اندیشمندان این دوران می توان در نظر گرفت؟ می توان گفت شاعران عارف و صوفیان و فیلسوفان شریعت گرا دسته بندی است که می توان برای برخی از اندیشمندان این دوران مطرح کرد. می توان چنین استنباط کرد که به طور کلی اندیشه خدا محوری در کتب این دوران رایج است و اندیشه صوفی گری نیز در اکثر مطالب به چشم می خورد؛ اندیشمندان این دوران برای توصیف مطالب بیشتر از آیات قرآن و اشعار استفاده می کردند که این مورد در اکثر کتب این دوران دیده می شود که حاکی از نفوذ مذهب در تمام مظاهر زندگی است.

## منابع

- آژند، یعقوب، (بی تا)، «**سیاست هنری تیمور**»، پژوهش نامه علوم انسانی، ش ۱.
- اکبری، نرگس، سید علیرضا اشرفی، (۱۳۹۳)، «**نقش غیاث الدین جمشید کاشانی در آموزش ریاضیات و ریاضیات محاسباتی**»، پژوهش نامه کاشان، ش ۵.
- ابن فهد حلی، (۱۳۸۱)، عده الداعی و نجاح الساعی، ترجمه محمد حسین نائیجی، تهران: انتشارات کیا.
- اسکندری، بهاء الدین، (۱۳۹۰)، «**جامی و مشکل عشق**»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناسی، س ۷، ش ۲۴.
- امیر حسین علاء سجزی، (۲۰۰۷ م)، رساله مخ المعانی، مصحح آذرمیدخت صفوی، بی جا: انستیتوی تحقیقات فارسی.
- بحرانی پور، علی، (۱۳۸۹)، «**جایگاه غیاث الدین جمشید کاشانی در مکتب علمی سمرقند**»، مطالعات تاریخ اسلام، س ۲، ش ۵.
- توحیدیان، رجب، (۱۳۸۹)، «**تاثیر پذیری کمال الدین حسین خوارزمی از حافظ**»، ماهنامه حافظ، ش ۶۸.
- حافظ، (۱۳۸۵)، دیوان حافظ، به کوشش محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: زوار.
- دلریش، بشری، مصطفی لعل شاطری، (۱۳۹۳)، «**موسیقی عصر تیموری، با تکیه بر نگاره ها و روایات تاریخی**»، پژوهش های علوم تاریخی، ش ۲.
- جعفرزاده، یوسف، (۱۳۹۲)، «**مقدمه ای بر پدیدار شناسی عرفان عاشقانه در عرفان مولوی و حافظ**»، فصلنامه عرفان اسلامی، س ۱۱، ش ۴۳.
- خانی، آذر، فاطمه مدرسی و بهمن نزهت (۱۳۹۸)، «**بررسی واژه های شناور در رساله ارشاد المیریدین کمال الدین حسین خوارزمی**»، زبان شناخت: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ دو فصلنامه علمی، س ۱۰، ش ۱.
- خواجه محمد پارسا، (بی تا)، شرح فصوص الحکم، تصحیح دکتر جلیل مسگر نژاد، بی جا.
- خواجه محمد پارسا، (۱۳۸۱)، فصل الخطاب، تصحیح جلیل مسگر نژاد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- خواجه محمد پارسا، (۱۳۵۴)، قدسیه، خواجه محمد پارسا، تهران: طهوری.
- ذوالفقاری، محسن، حجت الله امید علی، (۱۳۹۶)، «**تحلیل کارکردهای آیات قرآن در اشعار شاه نعمت الله ولی**»، فصلنامه علمی - پژوهشی: پژوهش های ادبی - قرآنی، س ۵، ش ۱.
- ریاض خان ام - ۱، محمد، (بی تا)، «**خدمات امیر کبیر میر سید علی همدانی در شبه قاره پاکستان و هند (قرن هشتم)**»، معارف اسلامی، بی جا.
- سمائی دستجردی، معصومه، فریدون اللهیاری و اصغر فروغی ابری، (۱۳۹۵)، «**بررسی جایگاه اجتماعی و صنعتگران در دوره تیموریان**»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، س ۲۶، ش ۲۹، پیاپی ۱۱۹.
- سید حیدر آملی، (۱۳۶۸)، جامع الاسرار و منبع الانوار، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- سید حیدر آملی، (۱۳۹۳)، رساله نقد النقود فی معرفه الوجود، ترجمه و تعلیق سید محمد طیبیان، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- سید صادقی، سید محمود، (۱۳۹۷)، «**نظر بازی در شعر حافظ**»، فصلنامه اورمزد، ش ۴۵.

- سیدعلی همانی، ترجمه و متن اسرار النقطه یا توحید مکاشفان از عارف کبیر قرن ۸، تصحیح محمد خواجهوی، تهران: انتشارات مولی.
- شاه نعمت الله ولی، (۱۳۸۰)، دیوان شاه نعمت الله ولی، کرمان: انتشارات خانقاه نعمت اللهی.
- شاه نعمت الله ولی، (بی تا)، شرح لمعات، تصحیح دکتر جواد نوربخش، بی جا: انتشارات خانقاه نعمت اللهی.
- شهیدی، حمید، (۱۳۹۵)، «سیاست مذهبی سلطان حسین بایقرا (مطالعه موردی تشیع)»، مطالعات تاریخ اسلام، س ۸، ش ۲۹.
- صائن الدین علی بن ترکه، (۱۳۵۱)، چهارده رساله ی فارسی: رساله ضوء اللمعات یا شرح لمعات عراقی، تهران: بی جا.
- صائن الدین علی بن ترکه، (۱۳۵۱)، چهارده رساله ی فارسی: رساله اسرار الصلوه، بی جا.
- صائن الدین علی بن ترکه، (۱۳۵۱)، چهارده رساله ی فارسی: رساله شق قمر و ساعت، بی جا.
- صائن الدین علی بن ترکه، (۱۳۷۵)، شرح گلشن راز، تهران: آفرینش.
- صائن الدین علی بن ترکه، (۱۳۷۵)، عقل و عشق یا مناظرات خمس، تهران: میراث مکتوب.
- صائن الدین ترکه، (بی تا)، اطوار ثلاثه: رساله ای از صائن الدین علی ترکه، بی جا: معارف.
- قربانی، حمید، (۱۴۰۰)، «مقایسه انسان شناسی عرفانی سید حیدر آملی و علاء الدوله سمنانی با تکیه بر آیات قرآن»، دو فصلنامه پژوهاک جامعه، س ۲، ش ۱.
- فرخی، محدثه، (۱۳۹۴)، «جامی و حب اهل بیت»، مجموعه مقاله های دهمین همایش بین المللی ترویج زبان و ادب فارسی: دانشگاه محقق اردبیلی.
- کاظم زاده، پروین، رحیم دهقانی سیمکانی و مریم داورنیا، (۱۳۹۲)، «وجود منبسط: در اندیشه سید حیدر آملی و صدرالمتاهلین»، مجله ادیان و عرفان، س ۴۶، ش ۱.
- کرمی، حسین، برات محمدی، (۱۴۰۱)، «بررسی نام ها و جایگاه معشوق در غزل شاه نعمت الله ولی»، فصلنامه علمی- تخصصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی، س ۱۲، ش ۴۳.
- کمال الدین حسین خوارزمی، (۱۳۸۴)، ینبوع الاسرار، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کامیاب تالشی، نصرت الله، (۱۳۷۵)، کتاب عشق در عرفان اسلامی از بایزید بسطامی تا عبدالرحمن جامی، تهران: نگین.
- کوهی، عادل و شادی نفیسی، (۱۳۹۴)، «جایگاه و کاربرد حدیث در تفسیر سید حیدر آملی»، دو فصلنامه علمی- پژوهشی حدیث پژوهی، س ۷، ش ۱۳.
- گمنام، (۱۳۴۹)، خلاصه شرح تعرف، مصحح احمد علی رجایی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- لعل شاطری، مصطفی و رحیم جوان لاجی، (۱۳۹۵)، «تاثیر ثبات فرهنگی هرات عصر تیموری بر پیشرفت اهل ادب و هنر (مطالعه موردی نورالدین عبدالرحمن جامی)»، فصلنامه تاریخ نو، س ۶، ش ۱۵، تابستان ۱۳۹۵.
- مایل هروی، نجیب، (۱۳۷۷)، شیخ عبدالرحمن جامی، نوشته نجیب مایل هروی، تهران: طرح نو.
- محمود بن عثمان، (۱۳۸۰)، مفتاح الهدایه و مصباح العنایه، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

- مولانا عبدالرحمن جامی، (بی تا)، نفحات الانس من حضرات القدس، مولانا عبدالرحمن بن احمد جامی، تصحیح مهدی توحیدی پور، بی جا: انتشارات کتابفروشی محمدی.
- مهرآوران، محمود، مهدی قاسمی، (۱۳۹۶)، «حافظ و نقد اجتماعی»، دو فصلنامه علوم ادبی، س ۷، ش ۱۱.
- میر سید علی همدانی، (۱۳۷۳)، شرح مردادات حافظ از میر سید علی همدانی به انضمام نسخه اصلی به خط محمد گل اندام؛ پژوهش ایرج گلسرخی، تهران: وزارت امور خارجه موسسه چاپ و انتشارات.
- نورالدین جعفر بدخشی، (۱۳۷۴)، خلاصه المناقب، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- نوربخش کرمانی، جواد، (۱۳۳۷)، زندگی و آثار قطب الموحیدین جناب شاه نعمت الله ولی کرمانی و فرزندان او، جواد نوربخش کرمانی، انتشارات خانقاه نعمت اللهی تهران: بی جا.



## Common sciences and dominant intellectual thought in the books of famous thinkers of the Timurid era

Zahra Ghaffarzadeh

Phd student of Iran Islamic history, Tabriz university, Tabriz, Iran.

### Abstract

The Timurid period was one of the periods in which the growth of science was significant; Timur and his successors supported science, culture and art; They even paid a lot of attention to art to show the glory of their rule. But it seems that rational sciences faced decline after the period of Timur, and we see the attention given to narrative sciences, which was visible in the scientific works of this period. In fact, the intellectual sciences have been marginalized and more attention has been paid to pure sciences, which indicates the thinking of thinkers of this period who paid more attention to this type of science. The thinkers of this period have mostly turned to Sufism and Sufism in their scientific works, which is predominant in the books of poetry and mysticism. The main claim is that by examining the common sciences in the thought of Timurid era thinkers based on the books of thinkers of this era, it is possible to A better understanding of the growth or decline of a particular type of science in a particular historical period was achieved. The main question of the following research is what was the most influential content in the books of the thinkers who lived in this era? The result of this research indicates that the translational sciences have a great impact on the formation of thinkers thought in this era. The research method in the current study is descriptive-explanatory and the method of data collection is library.

**Keywords:** Timurians, Common sciences, Books, Thinkers.